

رویکرد منظرین در گردشگری کوهستان؛ (مطالعه کوه‌های البرز)

بابک داریوش^{۱*}، فاطمه دستیار^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه معماری، مؤسسه پژوهشی شیخ بهایی، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی گروه معماری، مؤسسه پژوهشی شیخ بهایی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۷

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۹/۰۸/۰۱

چکیده | کوه در گذشته برای بشر دارای کارکردها و معانی بسیار بوده و عنصر طبیعی مقدس به شمار محسوب می‌رفته است. این مسئله در ایران هم صادق بوده و به دلیل جغرافیای خاص و قرارگیری در مدار رأس‌السرطان، اگر کوه وجود نداشت ایران فقط یک صحرای بزرگ می‌بود. لذا کوه در ایران منبع آب و آبادانی و برای مردم دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. به‌علاوه کوه برای ایرانیان، دارای کارکردهای بسیار دیگری بوده که سبب شده تا این عنصر طبیعی برای ایرانیان دارای معانی ذهنی بسیار باشد. اما به مرور زمان و با ورود تکنولوژی برآمده از مدرنیته، نیاز مردم ایران به کوه کاهش یافته و سبب شده تا معانی آن در ذهن مردم کمرنگ شود. چنانکه در زمان حاضر صرفاً یک محیط زیست تلقی می‌شود. از سویی گردشگری یک حضور و تجربه در محیط است و شناخت محیط، تأثیر بسیاری در ادراک و تجربه حضور خواهد داشت. هرچه شناخت از محیط بیشتر باشد، ادراک کامل‌تر و تجربه بهتری پدید خواهد آمد. لذا درخصوص گردشگری کوه با این همه کارکرد و معنا برای ایرانیان، شناختی کل‌نگر نیاز است. کوه برای ایرانیان یک عنصر فرهنگی بوده و شناخت ابعاد فرهنگی آن در ادراک و تجربه گردشگران بسیار موثر خواهد بود. به‌علاوه شناخت ابعاد فرهنگی کوه به احساس تعلق به آن محیط کمک خواهد کرد تا گردشگران در حفظ طبیعت با دقت بیشتری عمل کنند. در دهه‌های اخیر دیسپلین جدیدی با عنوان رویکرد منظرین در مواجهه با طبیعت پدید آمده که براساس آن، طبیعت یک منظره یا یک محیط زیست نیست و دارای ابعاد معنایی هم است. این رویکرد همان رابطه ایرانیان با طبیعت است که طبیعت را مقدس و مورد احترام و دارای معانی متعدد می‌پنداشتند. لذا با چارچوب مفهومی رویکرد منظرین و با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، یافته‌های پژوهش را با تأکید بر مطالعات کوه‌های البرز مورد بررسی قرار داده‌ایم.

واژگان کلیدی | گردشگری، رویکرد منظرین، منظر کوه، البرز.

مرکز تلقی شده است؛ نقطه‌ای که محور عالم از آن می‌گذرد و جایی آکنده از قداست است. کوه به آسمان نزدیک است و به همین سبب قداستی دوگانه دارد: از یک‌سو از نمادپردازی فضایی علو رفعت مانند «بلند»، «عمودی، قائم»، «برترین» و غیره بهره‌مند است و از سوی دیگر قلمرو تجلیات قداست آثار جوی است و به این اعتبار اقامتگاه خدایان به شمار می‌رود. معماری بناهای کوه‌مانند، از این اعتقاد ناشی می‌شده است که آدمیان قله کوه را نزدیک‌ترین مکان به آسمان می‌دانسته‌اند و

مقدمه | کوه‌ها به دلیل افزایش سرچشمه آب و رودها، محل بردمیدن خورشید و جایگاه خدایان و محل نزول وحی و ارتباط پیامبران با خدا بوده است. از سوی دیگر ارتفاع، نماد معراج و معنویت است و در باور انسان کوه همیشه رمز استقامت، بلندی، تعالی و جایگاه قدرت و قداست بوده است. کوه‌ها برای آدمیان سرچشمه نور بوده‌اند و نقش خدا را برای انسان داشته‌اند. کوه غالباً نقطه تلاقی آسمان و زمین و بنابراین

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۱۴۳۷۹۷، dean@gpmsh.ac.ir

چشم دوخته‌اند. کوه‌ها از زیباترین و مؤثرترین چهره‌های مسلط زمین هستند. حیات دشت‌ها را تأمین می‌کنند و پایه‌های زیستی جمعیت عظیمی از مردم جهان را تشکیل می‌دهند و سرچشمه همه رودهایی هستند که شریان‌های حیاتی جوامع بشری‌اند (راهنمای آماده‌سازی مناطق حفاظت‌شده کوهستانی، IUCN, 2004: ۱۳۸۸).

برای شرقی‌ها، عناصر طبیعت دارای معانی ذهنی هستند و این معانی ذهنی عناصر طبیعی با کارکردهای آن‌ها در ارتباط هستند. بدین معنا که هرچه رابطه کارکردی مردم و یک عنصر طبیعی بیشتر و محکم‌تر باشد، رابطه ذهنی آنها هم با آن عنصر بیشتر و قوی‌تر خواهد بود. لذا از آنجا که کوه برای ایرانیان، عنصری چندوجهی و دارای ابعاد مختلف بوده است برای درک درست از حضور در این مکان، لازم است شناختی صحیح و کلی از این عنصر طبیعی داشت. درخصوص گردشگری کوهستان، شناختی جامع و چند بعدی از کوه، سبب ارتباط بهتر گردشگران و محیط خواهد شد و علاوه بر احساس بهتر ادراک بیشتر گردشگران از محیط، سبب می‌شود آنها به محیط احساس تعلق بیشتری داشته باشند و آسیبی به کوهستان نرسانند. لذا هدف از انجام پژوهش، شناخت کل‌نگر به موضوع کوه از طریق پرداختن به کارکردهای مختلف و معانی مختلف کوه در گذر زمان برای ایرانیان و فرهنگ ایرانی است.

مسئله پژوهش آن است که برای درک کامل‌تر از محیط و برقراری رابطه بهتر با آن، شناخت جامع‌تر نیاز است و هرچه شناخت از محیط بیشتر باشد، درک از محیط بیشتر خواهد بود. لذا درخصوص کوه با این همه کارکرد و معنا برای ایرانیان شناختی کل‌نگر نیاز است. به عنوان مثال اگر تهرانی‌هایی که برای گردشگری به کوه‌های شمال تهران می‌روند، بدانند که سبب بوجود آمدن و استقرار شهرشان همین کوه‌ها هستند و علاوه بر این مسئله این کوه‌ها دارای چه تاریخ و داستان‌هایی هستند، نحوه ارتباطشان با این کوه‌ها متفاوت خواهد بود و از آنجا که کوه‌های البرز و علی‌الخصوص کوه دماوند برای همه ایرانیان دارای معنا بوده و هستند، گردشگران غیر تهرانی هم رابطه‌ای متفاوت با این کوه‌ها خواهند داشت. حتی این مسئله برای گردشگران غیر ایرانی هم در درک این محیط مؤثر خواهد بود.

مبانی نظری

- رویکردهای متنوع در گردشگری کوهستان در ایران
پژوهش‌های صورت‌گرفته و مروری بر خبرهای مرتبط با گردشگری کوهستان نشان می‌دهد رشته‌کوه‌ها و چین‌خوردگی‌های ایران به اندازه‌ای مهم و تأثیرگذار بوده و هستند که می‌توانند به صنعت گردشگری کشور وارد شوند. اما رویکردهای متنوعی در این رابطه وجود دارد از جمله:

- رویکرد نظام برنامه‌ریزی به گردشگری کوهستان
این رویکرد دارای بیشترین فراوانی در این حوزه است که

سعی می‌کرده‌اند که مسکن‌های خود را بر بلندترین نقطه کوه کیهانی بسازند تا رسیدن به آسمان شدنی باشد.

همچنین کوه‌ها، سدهایی هستند در برابر جریان هوای کره زمین، هوا و رطوبتی که در آن است، در برخورد با کوه به بالا رانده و در نتیجه سرد و متراکم می‌شود. در این حال، امکان بارش باران و برف فراهم می‌شود. بارش‌ها یا از شکاف‌ها و حفره‌های کوهستان به عمق زمین نفوذ می‌کنند و به این ترتیب از تبخیرشدن در امان می‌مانند یا به شکل برف ذخیره می‌شوند و از محل این ذخیره، امکان جریان‌یافتن پیوسته جویبارها و رودها فراهم می‌آید؛ لذا کوه‌ها را برج‌های آب شیرین جهان می‌نامند.

مطابق یک اصل بوم‌شناختی^۱ هر اندازه پستی و بلندی یا چین و شکن منطقه‌ای بیشتر باشد، «تنوع زیستی» یعنی گوناگونی جانوران و گیاهان آن منطقه، بیشتر خواهد بود. کوه‌ها، سرچشمه رودها و سرمنشأ تمدن و خاستگاه فرهنگ و تنوع فرهنگی هستند و تمامی رودخانه‌های بزرگ دنیا از کوه‌ها سرچشمه می‌گیرند. از نظر ایرانیان، کوه اهمیت و جایگاه خاصی داشته و می‌توان گفت که اغلب آیین‌ها و مراسم مذهبی در کوه‌ها برپا می‌شده است و ایرانیان همواره ارزش آیینی و مقدسی برای آن قائل بوده و آن را گرمی شمرده‌اند. کوه البرز به عنوان مهم‌ترین کوه ایران جایگاه خدایان بوده و به دلیل برافراشتگی، واسطه‌ای بین مردم و خدا بوده است.

همواره و در طول تاریخ روابط پیچیده و بسیاری میان انسان و کوه وجود داشته و کوه دارای اهمیت فراوان برای مردم بوده است. براساس اعتقادات ایرانیان نیز کوه مقدس البرز در میانه زمین واقع است و به آسمان پیوسته است: «کوه البرز ستون آسمان است و آفتاب، ماه و ستارگان به مثل چرخ دولاب در گردشند» (رضی، ۱۳۴۶). توصیفی که نویسندگان یشت‌ها از کوه البرز کرده‌اند، نشان‌دهنده آن است که البرز کوهی جغرافیایی نیست بلکه کوهی مینوی و نماد بهشت است. خانه سروش در فراز البرز خود به خود روشن است و ستارگان، ماه و خورشید گرداگرد آن می‌چرخند (محصل، بهنام‌فر، زمانی‌پور، ۱۳۹۱).

در قسمتی از منشور جهانی کوهستان به مناسبت نامگذاری سال ۲۰۰۳ به عنوان سال کوهستان، آمده است: نواحی کوهستانی جهان بستر و خاستگاه تمدن‌هایی بسیار ارزشمند و اصیل بوده‌اند. محیط خاصی که مردمان این نواحی در آن در طول تاریخ زیسته‌اند موجب پیدایش رفتارها، وضعیت‌ها و روابط خاص بین انسان و طبیعت شده که زیربنای همه تمدن‌هاست. افسانه‌هایی که این تمدن‌ها خلق نموده‌اند، ارزش‌هایی که بر آن‌ها استوار بوده‌اند و ساختارهای اجتماعی-اقتصادی همگی به شدت در نتیجه تأثیر موقعیت جغرافیایی بوده است. کوه‌ها یک پنجم سیمای زمین را تشکیل می‌دهند، زیست‌گاه حداقل یک دهم از مردم جهانند، یک سوم مردم دنیا از جنبه‌های مختلف (غذا، برق، چوب و مواد معدنی) به کوه‌ها وابسته‌اند، نیمی از مردم جهان از نظر تأمین نیازهای آبی به آبخیزهای کوهستانی

می‌داند که توسط مردم درک شود و منطقه‌ای که ویژگی آن ناشی از تعامل مؤلفه‌های انسانی و طبیعی بوده و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه شهری را در بر می‌گیرد (CEO, 2000). همچنین براساس تعاریف «منظر گونه‌ای دیگر از مکان است و محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی است» (برک، ۱۳۷۸). «سایمون بل» با بررسی الگوهای طبیعی به این نتیجه رسیده است که منظر، قسمتی از محیط است که ما در آن ساکن هستیم و به واسطه ادراکمان، آن را می‌فهمیم (Bell, 2012).

«گوستین برک» گونه‌ای از مکان را منظر می‌نامد که دارای مفروضات بیولوژیک، وجودشناسی و منطقی است و به عبارت دیگر وجود مکان به علت بودن آن مکان نیست بلکه در ارتباط با سوژه و صرفاً به طور خاص موجودات زنده، پدید می‌آید (برک، ۱۳۹۲). همچنین رویکرد منظرین به عناصر طبیعی براساس مفاهیم پایداری، به پایداری محیط می‌انجامد. «ترکیب و ادغام جنبه‌های شناختی و ذهنی ارزشیابی زیبایی طبیعت نشان دهنده پیشرفت چشمگیری در جنبه معنوی و اخلاقی ذهن بشر است که می‌تواند منجر به پایداری محیط شود» (حبیبی، ۱۳۹۲). «منظر فضای کلان زیست انسان در محیط است و خودبه‌خود پدید نمی‌آید. انسان با همه پیچیدگی‌های ذهنی خود، در فرایندی رفت و برگشتی با طبیعت و محیط، از آن‌ها اخذ و در آن‌ها رخنه می‌کند» (منصوری، ۱۳۸۹).

کارکردهای کوه در ایران در گذر زمان

• کارکردهای عینی کوه

- کارکرد اکولوژیک کوه

کوه منبع تأمین آب سکونتگاه‌ها: سرزمین ایران بطور کلی کوهستانی و نیمه خشک بوده و میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریاست و اگر کوه‌ها نبودند، در سرزمینی مانند ایران، بارش از آن چه که هست کمتر می‌شد و در تابستان‌ها هیچ روان‌آبی نداشتیم (تحقیق درباره نقش و اهمیت کوه‌ها در جهان). در این میان کوه‌های البرز به عنوان بلندترین کوه‌های ایران به عنوان منبع آب بزرگترین شهر ایران دارای کارکرد است. دو سوم از جمعیت ایران در یک سوم شمالی این کشور قرار گرفته‌اند که ربط مستقیم با منابع آبی البرز دارد.

کوه عامل ایجاد خرداقلیم و پدیدآوردن آب و هوای مطبوع: کوه‌های به هم پیوسته البرز در شمال به عنوان یک مانع طبیعی در برابر جریان‌های هوای گرم جنوبی و جریان مرطوب غرب نه تنها موجب ایجاد پدیده بارش در محدوده شمالی شهر می‌شود، بلکه باعث چرخش طبیعی هوا در دایره نیم‌بسته طبیعی بلندی‌های شمال تا جنوب شرقی نیز می‌شود

(صفا منش، ۱۳۹۳). در گذشته نیز کوه‌ها نزد ایرانیان باستان فواید بسیاری داشته‌اند. در مینوی خرد، دانا سبب ساخته شدن کوه‌ها را می‌پرسد و پاسخ می‌شود که «این کوه‌ها در جهان برخی انگیزنده باد و برخی بازدارنده آن، برخی جای ابر بارنده

نبود برنامه‌ریزی مناسب را دلیلی بر ناکامی و عدم استفاده از ظرفیت ویژه کوهستان در صنعت گردشگری می‌داند (مطهری، ارجمندی، نوری و ریاضی، ۱۳۹۷؛ رضایی، ۱۳۹۵؛ تبریزی و مهرمند، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۱۳۹۶؛ جوزی و بهزادی، ۱۳۹۴).

- رویکرد اقتصادی به گردشگری کوهستان

بر این اساس، اهمیت اقتصادی موضوع، سایر جنبه‌های آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و گردشگری کوهستان را راهی مهم برای توسعه اقتصادی مناطق کوهستانی می‌داند (کرمی، ۱۳۹۷؛ گردشگری کوهستان، ۱۳۹۷؛ قدیری، رضوانی، جمعه‌پور و باغیانی، ۱۳۹۴).

- رویکرد توسعه پایدار در گردشگری کوهستان

رویکردی است که برخی از دیدگاه‌ها و پژوهش‌ها براساس مفاهیم توسعه پایدار (توسعه با توجه به محیط زیست) مطرح شده‌اند و توسعه اقتصادی گردشگری کوهستان را ضمن توجه به حفظ و استفاده بهینه از منابع و محیط زیست ابراز کرده‌اند (زاهدی، ۱۳۸۸؛ باباخانی، ۱۳۹۲؛ بهروش، ۱۳۸۹).

- رویکرد ورزشی به گردشگری کوهستان

این رویکرد جنبه دیگر گردشگری کوهستان است که ورزش را در این موضوع دارای اهمیت زیاد می‌بیند. و بر توسعه ورزش کوهنوردی تأکید دارد و توسعه کوهنوردی را بخش مهمی از توسعه گردشگری کوهستان می‌داند (آخوندی، دانه‌کار، ارجمندی و شعبانعلی فمی، ۱۳۹۴؛ اوحدی، ۱۳۹۶).

- رویکرد توجه به توسعه مشارکت و منفعت عمومی

این رویکرد رونق اقتصادی ناشی از گردشگری کوهستان را زمینه‌ای در راه دستیابی به عدالت اجتماعی می‌داند و نقش اهالی مناطق کوهستانی را در توسعه و رونق گردشگری برجسته می‌پندارد (موسوی، ۱۳۹۹؛ نیهانی، ۱۳۹۷).

کوه به مثابه منظر طبیعی

• چارچوب مفهومی رویکرد منظرین

امروزه رویکردی کل نگر به نام رویکرد منظرین در رابطه میان انسان، طبیعت و محیط مطرح است که در آن طبیعت، به عنوان یک چشم‌انداز صرف یا یک عنصر اکولوژیک و یک کالبد تلقی نمی‌شود. هرچند که این مفهوم از غرب آمده است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد نگاه ایرانیان در گذشته به طبیعت نیز نگاهی چند معنایی بوده است و لذا این مفهوم می‌تواند در بررسی رابطه انسان و طبیعت در ایران مؤثر باشد. مثلاً عنای کوه دماوند یا البرز برای ایرانیان بسیار متفاوت از معنایی است که غیر ایرانی‌ها در مواجهه با این کوه‌ها دارند. ایرانیانی که در قلمروی فرهنگی این کوه‌ها زندگی کرده‌اند بر اساس اشعار، داستان‌ها، اسطوره‌ها، ضرب‌المثل‌ها و نقاشی‌ها ذهنیتی مشترک از این کوه‌ها دارند، ذهنیتی چندمعنایی که فقط مربوط به این افراد است.

کنوانسیون منظر اروپا در تعریفی گسترده، منظر را ناحیه‌ای

و ساکنان شهر تهران مشهود است. در اشعار فردوسی به طبیعت کوه اشاره می‌شود و در ابیات زیر جنبه تفرجگاهی کوه مورد نظر است (داریوش، ۱۳۹۵):

کنون خورد باید می خوش گوار
که می بوی مشک آید از کوهسار
هوا پرخروش و زمین پر ز جوش
خنک آن که دل شاد دارد به نوش

• کارکردهای ذهنی کوه

- کارکردهای اسطوره‌ای کوه

نزدیکی انسان به آسمان در کوه و تصور حضور در مرکز زمین هنگام قرار گرفتن بالای کوه: در اندیشه ایرانیان زمین کاملاً هموار و دست‌نخورده بوده و هیچ حرکتی در میان زمین و ماه و ستارگان وجود نداشته است اما به دنبال تازش نخست اهریمن، زمین ناگهان دگرگون شده و در آن پویایی پدید آمده و کوه‌ها ایجاد شدند و رودخانه‌ها به جریان افتادند و ماه و ستارگان به چرخش درآمد (هینلز، ۱۳۸۶). همچنین بندهشن، کوه تیرگ را که قله‌ای از البرز کوه است، مرکز جهان می‌داند (رضی، ۱۳۴۶).

- کوه مکان وقوع داستان‌های اساطیری و حضور اسطوره‌ها
بر پایه مهریشت، مهر هر روز پگاهان بر گردونه زرین خویش از کوه سپند و آیینی البرز برمی‌آید و آسمان را درمی‌نوردد و با هزاران چشم، خانمان‌های آریایی را می‌نگرد تا مبادا کسی به کژی بگراید و پیمان بشکند. بنابراین، مهر بر پیمان‌ها نظارت می‌کند و برای بهتر انجام دادن چنین وظیفه‌ای، صفت خدای همیشه بیدار را دارد و هرگز خواب به چشمانش نمی‌آید (موسوی، ۱۳۸۸، ۱۱۵). علاوه بر اسطوره مهر، البرز محل پرورش فریدون، مکان زندگی سیمرغ و محل پرتاب تیر از کمان آرش بوده است. در شاهنامه داستان کیومرث آمده که وی اولین شهروار زمین است و در کوه زندگی می‌کرده است: کیومرث شد بر جهان کدخدای

نخستین به کوه اندرون ساخت جای

- کوه به عنوان مکانی مقدس

به اعتقاد ایرانیان مهمترین اسطوره مربوط به کوه در آیین آریایی‌های ایرانی شکل گرفت، انسان نخستین در کوه خلق شده، در کوه زیسته و ارواح مردگان نیز در سر پل چینوت داوری می‌شوند (موسوی و خسروی، ۱۳۸۷).

در آیین زرتشت (دین ایرانیان باستان) نیز کوهستان مقدس بوده تا جایی که مورد پرستش قرار می‌گیرد. در اوستا کتاب زرتشتیان آمده است: ای هوم! میستایم ابرها و باران را که پیکر تو را بر چکاد کوه میرویانند. میستایم ستیغ کوهی را که تو بر آن روییدی (دوستخواه، ۱۳۷۰، ۱۴۴). «هرودت» در باره نیایش کردن پارسیان در دوره هخامنشیان می‌نویسد: نیایش نه در عبادتگاه‌های بزرگ بلکه در فضای باز و بر روی کوه‌ها انجام می‌گرفت. پارسیان بر بلندترین ستیغ کوه‌ها بالا می‌روند و در راه اهورامزدا دهش می‌کنند. آنان تمام گنبد آسمان را اهورامزدا می‌دانند. آنان همچنین در کوه برای خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد نیز دهش می‌کنند (قرشی، ۱۳۸۹).

و برخی زنده اهریمن و نگاه‌دارنده و زندگی‌بخش آفریدگان اورمزد خدایند» (عفیعی، ۱۳۷۴).

کوه به عنوان یکی از مظاهر اصلی طبیعت: کوه‌ها مجموعه‌ای از زیباترین جلوه‌های طبیعی را در خود جای داده‌اند. پستی و بلندی، ارتفاع، دره، آبشار، گل و گیاه و امثال این‌ها از مناظری هستند که در مجموع، کوه‌ها را به موزه‌های منحصر به فرد طبیعی تبدیل نموده‌اند.

- کوه به عنوان پناهی در برابر هجوم دشمن

کوه به عنوان دژی پایدار است که اطراف شهر را در بر می‌گیرد. یکی از دلایل اصلی قرارگیری شهرها و روستاها در دامنه کوه‌ها در ایران مسئله امنیت بوده است. در شرایطی که امنیت کم بوده کوه‌های بلند این امکان را مهیا می‌ساختند تا دشمنان و غارتگران نتوانند از سمت آن‌ها به شهر حمله کنند. همچنین می‌توان اشاره به پناهگاه‌هایی نمود که مردم در دل کوه‌ها می‌ساختند.

- کارکرد ارتباط بصری میان کوه و ساکنان کوهپایه

کوه به عنوان عنصر طبیعی هویت‌بخش، نشانه و نقطه عطف: کوه به عنوان یک لبه طبیعی و نقطه عطف برای شهر بسیار حائز اهمیت است و رابطه بصری میان کوه و ساکنان کوهپایه از انواع رابطه عینی و مهم میان کوه و مردم به شمار می‌رود. لبه به عنوان یک نشانه و شاخص بخشی از مناطق شهری در ذهن شهروندان باقی می‌ماند و زمینه مداخله و طراحی آن را به عنوان عنصر هویت‌ساز فراهم می‌کند (یاراحمدی، ۱۳۸۹). با توجه به تأثیر متقابل طبیعت و فرهنگ، نشانه اکولوژیک (کوه) جزئی از نشانه‌شناسی فرهنگی محسوب می‌شود و به دنبال مطالعه رفتار و روابط بین انسان و محیط زیست طبیعی‌اش براساس ادراک و تفسیر نشانه هاست تا منظر عمومی شهر را به واسطه پتانسیل‌های عناصر اکولوژیک هویت‌مند سازد (سلطانی، ۱۳۸۸). رشته کوه البرز به عنوان لبه شمالی شهر در زمره نقاط عطف طبیعی و روستاها و کاخ‌های دامنه آن نقاط عطف مصنوع شهر محسوب می‌شوند (آل هاشمی، ۱۳۹۳).

- کارکرد معیشتی کوه (کشاورزی، دامپروری و شکار)

کوه‌ها در ایران محیط زیست متنوعی را پدید آورده‌اند که علاوه بر تأمین آب، غذای ساکنان کوهپایه‌اش را نیز تأمین می‌کرده است. چنانکه در بندهشن بزرگ آمده است: «این کوه‌ها آفریده شده تا مایه تغذیه آتوربان و ارتشتاران و استریوشان باشد» (پوردادود، ۱۳۴۷). درخصوص کوه‌های البرز، ارتفاعات و دشت آبرفتی پدید آمده بواسطه این کوه‌ها، تنوع زیستی کشاورزی و جانوری را سبب شده و در طول تاریخ منبعی برای معیشت ساکنان در طول تاریخ بوده است.

- کوه مکانی برای تفرج

کوه همواره برای ایرانیان به عنوان مکانی برای تفریح و تفرج مورد استفاده قرار می‌گرفته و هم اکنون نیز این کارکرد وجود دارد. این رابطه علی‌الخصوص آخر هفته‌ها میان کوه‌های البرز

این مهم دارد: به طور میانگین در روزهای پنجشنبه و جمعه آخر هر هفته، بیش از ۵۰۰ هزار کوهنورد و گردشگر به ارتفاعات شمالی تهران می‌روند (پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۱). اما این رابطه، محدود به روزهای تعطیل است و حضور گسترده مردم در این روزها کوه را دچار آسیب خواهد کرد. تمامی کوه پایه‌ها و حتی دامنه‌های مرتفع شمال و حتی غرب و شرق تهران دچار آسیب‌های شدید «شهری‌شدگی» شده‌اند. هرگونه بارگذاری اضافه، آن هم در مرتفع‌ترین نقطه حومه‌ی شهر، تیر خلاصی خواهد بود بر بقای تنه محیط‌های کوهستانی مجاور این کلانشهر آلوده (نامه گروه دیده‌بان کوهستان انجمن کوه‌نوردان).

تصمیمات اتخاذ شده در برابر کوه در ایران نشان می‌دهد کوه، طبیعت و محیط زیستی کالبدی است. مردم به کوه می‌روند نه به خاطر کوه بلکه به خاطر چیزی که در شهرها ندارند. در واقع مردم از شهرها به سمت کوه فرار می‌کنند. این هجوم مردم به کوه اتفاق خوبی نیست. چرا کوه رفتن فقط مختص آخر هفته‌هاست و گردشگری در کوه از برنامه‌های روزانه ایرانیان نیست (برخلاف ژاپنی‌ها که از توکیو سرویس روزانه برای کوه فوجی وجود دارد. فوجی نماد ملی ولی خیلی کوتاه‌تر از دماوند). مردم به کوه می‌روند اما کوه را به درستی نمی‌شناسند. کوه ترکیبی از عینیت و ذهنیت است ولی ما در حال حاضر صرفاً به عینیت آن توجه داریم. اگر مردم با کوه‌ها آشنا شوند و معانی بیشتری از کوه دریابند گردشگری در کوهستان رنگ و بوی دیگری خواهد داشت. شناخت درست کوه به ما این امکان را می‌دهد تا از حضور در کوهستان احساسات بیشتری به دست آوریم، در کوه هویت پیدا کنیم و ادراکمان نسبت به خودمان و محیط کوهستان رنگ و بوی دیگری پیدا کند. وضعیت فعلی کوهستان و صنعت گردشگری نشان می‌دهد رویکردهای موجود به کوه نتوانسته‌اند تعریف درستی از گردشگری کوهستان ارائه کنند و به نظر می‌رسد کوه را یک «کل» ندیدن سبب شده تا تعاریف و رویکردهای گردشگری کوهستان کامل نباشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کوه یک عنصر چند وجهی و دارای معانی بسیار برای ایرانیان بوده و در گذر زمان این معانی تغییرات زیادی داشته است و به تعبیری باید گفت براساس رویکرد منظرین، کوه در گذشته یک عنصر فرهنگی و دارای ابعاد عینی و ذهنی بوده اما در گذر زمان جنبه‌های ذهنی خود را از دست داده و دیگر یک عنصر فرهنگی منظرین نیست و شاید این‌ها پاسخی باشد به آنکه چرا ظرفیت‌های کوه مغفول مانده است. از سوی دیگر رویکرد منظرین به کوه که رویکردی کل‌نگر است، کوه را توأمان یک عنصر عینی و ذهنی می‌بیند و سبب می‌شود گردشگری کوهستان معنا و تعریف دیگری بیابد.

گرامی داشتن کوه و جایگاه مقدسان بودن آن در شاهنامه فردوسی بازتاب این چنینی دارد که عابدی موسوم به هوم از نژاد فریدون:

پرستش گهش کوه بودی همه

ز شادی شده دور و دور از رمه

کجا نام آن پر هنر هوم بود

پرستنده، دور از بر و بوم بود
کوه البرز جایگاه اصلی مهر (الهه خورشید) و آناهیتا (الهه آب) دو عنصر حیات‌بخش بوده و مکان عبادت و بعضاً مورد پرستش ایرانیان بوده است اما با ورود دین، عبادتگاه‌ها داخل شهر ساخته شدند و کوه از این نظر جایگاه خود را از دست داد. البته حضور امامزادگان و مساجد در کوه نشانی از همین جایگاه والا در نظر مردم دارد.

• کوه در ادبیات و فرهنگ عامه ایرانیان

ادبیات از مظاهر اصلی فرهنگ است. «ادبیات آیینی تمام‌نمای رویدادها، آیین‌ها، رفتارها، تلاش‌ها و اندیشه‌های جامعه است که زبان حال و شناسنامه یک ملت می‌باشد و می‌توان یک جامعه را با بررسی محتوا و موضوع ادبیات آن شناخت. رویدادها، رفتارهای اجتماعی را دانست و سیر تحول پدیده‌های اجتماعی را ردیابی کرد» (روح الامینی، ۱۳۷۶). لذا یکی از راه‌های شناخت ذهنیت مردم نسبت به یک پدیده بررسی آن در ادبیات و شعر است. در تحقیقی که با عنوان «جایگاه کوه در ادبیات ایران در گذر زمان و تاثیر مدرنیته بر آن» صورت گرفته می‌توان رویکرد شعرا را در گذر زمان نسبت به پدیده طبیعی کوه مورد ارزیابی قرار داد: «بررسی‌های صورت گرفته در خصوص بررسی معانی کوه در گذر زمان در ادبیات، در مجموع نه رویکرد کلی شاعران را به کوه را نشان می‌دهد: رویکرد به کوه به عنوان عنصری دارای شکوه و عظمت، پدیده‌ای دارای صفات و ارزش‌های انسانی، پدیده‌ای دارای جایگاه اسطوره‌ای، نمادی از پایداری و استقامت، رویکردی محض به کالبد کوه، رویکردی جهت تشخیص و جان‌بخشی به آن، رویکردی به جایگاه رفیع کوه تا جهان پنداشتن آن، رویکردی محض به طبیعت کوه و رویکردی آیه نگر که هستی را می‌توان از طریق آن شناخت» (داریوش و متدین، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

امروزه بخش مهمی از اوقات فراغت انسان‌ها به گردش در طبیعت و انجام ورزش‌هایی که در محیط‌های طبیعی انجام می‌شوند، اختصاص دارد. پیاده روی در کوهستان و نیز کوهنوردی جدی از مهمترین تفریح‌ها و ورزش‌های طبیعی هستند. آمار ارائه شده توسط رییس هیأت کوهنوردی استان تهران نشان از

پی‌نوشت

Ecologic .۱

فهرست منابع

• آخوندی، لیلا؛ دانه‌کار، افشین؛ ارجمندی، رضا و شعبانعلی‌فمی، حسین. (۱۳۹۴). مکان یابی پهنه‌های مناسب برای گردشگری ورزشی در کوهستان (مطالعه موردی:

جاده کرج-چالوس)، محیط زیست طبیعی (منابع طبیعی ایران)، ۳۳۱-۳۳۴، ۳۳۱-۳۳۴.
• آل‌هاشمی، آیدا. (۱۳۹۳). دالان‌های دید، عنصر هویت بخش منظر، منظر، ۶(۲۸)، ۶۳-۷۳.

- اوحدی، سعید. (۱۳۹۶). ورود سرمایه‌گذاران اتریشی به گردشگری کوهستان ایران، دنیای اقتصاد. تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵، قابل دسترس در: <https://lib1.ut.ac.ir:8443/site/catalogue/1162041>
- باباخانی، فاطمه. (۱۳۹۲). گردشگری کوهستان؛ صنعتی برای دستیابی به توسعه پایدار، روزنامه دنیای اقتصاد، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۲/۱۲/۰۸، قابل دسترس در: <https://donya-e-egtesad.com>
- برک، آگوستین. (۱۳۹۲). آیا مفهوم منظر متحول می‌شود؟ منظر، ۲۵(۲۳)، ۲۷-۲۵.
- برک، آگوستین. (۱۳۸۷). منظر، مکان، تاریخ، (ترجمه مریم منصوری)، باغ نظر، ۵(۹)، ۹۰-۸۱.
- بهروش، مهدی. (۱۳۸۹). گردشگری در جهت توسعه پایدار کوهستان، خبرگزاری برنا، تاریخ مراجعه: ۱۳۸۹/۰۹/۲۹، قابل دسترس در: <https://www.borna.news/>
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۱۲). یسنا (جزئی از نامه مینوی اوستا). تهران: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ.
- تبریزی، علیرضا و مهرمند، شهرزاد. (۱۳۹۰). طراحی پایدار فضاهای گردشگری کوهستانی (مطالعه موردی: پارک طبیعت کوهسار تهران). محیط شناسی، ۳۷(۵۸)، ۹۶-۸۷.
- تحقیق درباره نقش و اهمیت کوه‌ها در جهان. (۱۳۸۸). جلسه دی‌ماه کمیته محیط زیست شورای شهر تهران، کارگروه گردشگری طبیعی و کوهستان. تهران: شورای شهر تهران.
- جوزی، سید علی و بهزادی، محیا. (۱۳۹۴). طراحی محیط زیستی پارک کوهستانی با تاکید بر توسعه گردشگری طبیعت (نمونه موردی: پارک کوهستانی گلابدره منطقه یک تهران). پژوهش‌های محیط زیست، ۱۱(۹)، ۱۱-۹.
- حبیبی، امین. (۱۳۹۲). طبیعت زیباست؟ تامل در فلسفه زیبایی طبیعت، منظر، ۴۰(۲۲)، ۴۳-۴۰.
- داریوش، بابک. (۱۳۹۵). کوهستان البرز در طرح جامع تهران، منظر، ۳۷(۳۷)، ۵۵-۴۸.
- داریوش، بابک و متدین، حشمت اله. (۱۳۹۸). جایگاه کوه در ادبیات ایران در گذر زمان و تأثیر مدرنیته بر آن، باغ نظر، ۱۶(۷۱)، ۷۷-۸۶.
- راهنمای آماده‌سازی مناطق حفاظت شده کوهستانی. (۱۳۸۸). جلسه دی‌ماه کمیته محیط زیست شورای شهر تهران، کارگروه گردشگری طبیعی و کوهستان. تهران: شورای شهر تهران.
- زاهدی، شمس‌السادات. (۱۳۸۸). گردشگری و توسعه پایدار، ضرورت جاری سازی حفاظت محیطی در سیاست‌های توسعه گردشگری، مطالعات جهانگردی، ۴(۱۱) و ۱۲، ۲۲-۱.
- رضایی، صبا. (۱۳۹۵). اقتصاد نهفته در گردشگری کوهستان، صمت تجارت و گردشگری. تاریخ مراجعه: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳، قابل دسترس در: <https://www.smtnews.ir/trade/tourism/20911>
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). فرهنگ اعلام اوستا. تهران: انتشارات فروهر.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۶). نمودارهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران، چاپ نقش جهان.
- سلطانی، لیلیا. (۱۳۸۸). نقش نشانه‌ها در مدیریت منظر شهر، منظر، ۳۱(۳)، ۷۴-۷۵.
- صالحی، لاله. (۱۳۹۶). توسعه گردشگری در مناطق کوهستانی، کنفرانس بین‌المللی مدیریت منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه، کرج، ایران.
- صفامنش، کامران. (۱۳۹۳). تهران، جغرافیای تاریخی و تاریخ (از قاجاریه تا امروز)، تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- عقیقی، رحیم. (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ رضوانی، محمدرضا؛ جمعه‌پور، محمود و باغیانی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). سطح‌بندی سرمایه‌های معیشتی در روستاهای گردشگری کوهستانی، مورد: دهستان بالا طالقان در شهرستان طالقان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۲)، ۱۸-۱.
- قرشی، امان‌الله. (۱۳۸۹). آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- کرمی، وریا. (۱۳۹۷). گردشگری کوهستان، ظرفیتی مغفول، ایرنا، تاریخ مراجعه: <https://www.irna.ir/news/83216961> قابل دسترس در: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱
- گردشگری کوهستان؛ ظرفیتی استفاده‌نشده. (۱۳۹۷). دولت آنلاین، تاریخ مراجعه: <http://newspaper.hamshahrionline.ir/> قابل دسترس در: ۱۳۹۷/۰۲/۳۰
- محصل، راشد؛ بهنام فر، محمد و زمانی‌پور، مریم. (۱۳۹۱). تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادب فارسی، مطالعات ایرانی بهار، ۲۱(۲)، ۱۱۹-۱۴۶.
- مطهری، سعید؛ ارجمندی، رضا؛ نوری، جعفر و ریاضی، برهان. (۱۳۹۷). تدوین راهبردهای توسعه گردشگری در مناطق کوهستانی با استفاده از مدل SWOT و ماتریس QSPM (منطقه مورد مطالعه: مناطق کوهستانی مشرف به منطقه یک شهرداری تهران). مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۰(۲)، ۱۵۱-۱۶۸.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری، منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
- موسوی، سیدحمید. (۱۳۹۹). تقویت گردشگری کوهستان به تحقق عدالت اجتماعی در شهر کمک می‌کند، ایران نو. تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۰۳/۷۱، قابل دسترس در: <http://iraneno.ir/fa/news/45329>.
- موسوی، سیدرسول. (۱۳۸۸). تصاویر بلاغی خورشید در شاهنامه و بازتاب اسطوره مهر در آن، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ۱۴(۱)، ۱۱۲-۱۲۸.
- موسوی، سیدکاظم و خسروی، اشرف. (۱۳۸۷). پیوند خرد و اسطوره در داستان زال، پژوهشنامه علوم انسانی، ۵۸(۱)، ۱۰۸-۹۵.
- نهبانی، پیمان. (۱۳۹۷). ظرفیت گردشگری کوهستان در خوزستان مورد توجه قرار می‌گیرد، تابناک، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷، قابل دسترس در: <http://sedayefarda.ir/fa/doc/news/9060/print>.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۶). شناخت اساطیر ایران (ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی). تهران: چشمه.
- یاراحمدی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر، مجله منظر، ۳۷-۳۰، (۱۱)۲.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

داریوش، بابک و دستیار، فاطمه. (۱۳۹۹). رویکرد منظرین در گردشگری کوهستان؛ مطالعه کوه‌های البرز، گردشگری فرهنگ، ۳۱(۲)، ۳۸-۳۳.



DOI: 10.22034/toc.2020.239247.1007

URL: http://www.toc-sj.com/article_115504.html